

مقدمه :

گسترش پدیده فقر در جوامع و مشکلات ناشی از آن محققین و جامعه شناسان را به بررسی عللهای مختلف مؤثر در پیدایش و گسترش فقر واداشته است .

بررسیها علل مختلفی را چون توزیع ناعادلانه ثروت، عملکرد ناردست مسئولین، عدم فعالیت افراد به دلیلهای گوناگون، عوامل محیطی و طبیعی و..... را در پیدایش فقر و گسترش آن مؤثر می داند.

باشناخت این عوامل، جامعه شناسان و متصدیان امر، راهکاری را نیز برای مهار کردن آن و حتی مواردی را برای پیشگیری از ایجاد آن، عنوان کرده اند، که عمل به آنها می تواند تا حدی گره از مشکلات ناشی از فقر و آثار سوء آن باز کند.

اما اسلام، به عنوان کاملترین ادیان، که در همه جوانب زندگی انسان برنامه و دستور العمل دارد، در این زمینه نیز به عنوان یک جامعه شناس حرفه ای، در مورد نحوه پیدایش فقر، عوامل مؤثر در پیدایش آن و آثار سوء آن مواردی را بیان داشته است که از دید زبده ترین جامعه شناسان و محققین این امر پوشیده مانده است و نیز بیشترین راهکارهایی را که در زدودن آن بیان داشته است چیزی غیر از راهکارهای پیشنهادی جامعه شناسان می باشد.

مواردی که اسلام به عنوان علل فقر بیان داشته، امور ساده ای هستند که در زندگی روزمره افراد با آنها سروکار دارند و کمی دقت در انجام این امور، آنگونه که اسلام توصیه نموده است، در توسعه رزق آنها - چه مادی و چه معنوی - و کاهش فقر و محرومیت آنها، نقش مهمی را ایفا می کند.

معناي لغوي و اصطلاحي فقر و فقير :

«فقر» در لغت برفراخی و فاصله بین دوشی ء، مانند عضو بدن یا غیر از آن از موارد دیگر دلالت می کند و در اصطلاح به معنی فقدان و نبود نیازهای اولیه است. نظیر: خوراک، پوشاک، مسکن که متعارف با سطح معمولی جامعه باشد.

«فقیر» در لغت به کسی می گویند که ستون فقرات پشتش شکسته باشد و در اصطلاح کسی است که توان رفع احتیاجات خود و خانواده اش را که متناسب با سطح معمولی جامعه باشد ندارد.

اقسام فقر :

هنگامی که نامی از فقر به میان می آید، عده بسیاری گمان می کنند که فقط همان نقص و کمبود مادی را شامل می شود. اما از آن جای که فقر یک مفهوم کلی است، در مورد هر امری که نوعی نقص و کمبود در آن هویدا می باشد، می توان واژه فقر را در مورد آن به کاربرد.

بدین ترتیب می توان اقسام گوناگونی برای آن در نظر گرفت . مهمترین این اقسام عبارتند از:

۱- فقر (مقیقی):

فقر حقیقی یا «فقر الی الله»، همان فقر و احتیاجی است که انسان و همچنین موجودات دیگر از زمان پیدایش به خداوند متعال دارند.

علت آن این است که موجودات در ذات خود ممکن الوجود هستند، یعنی وجود و عدم برای آنها یکسان است و زمانیکه اراده حق تعالی بر این تعلق گرفت که آنها موجود شوند، وجود یافتن برای آنها حتمیت می‌یابد و آنها موجود می‌شوند. همین نیاز موجودات برای وجود یافتن به یک قدرت برتر که ثابت و پایدار است نشانه محتاج بودن آنهاست.^۲

بنابراین تمام انسانها، چه فقیر و چه ثروتمند، همه نسبت به خداوند فقیر و محتاج می‌باشند و اصلاً هیچ موجودی رانمی‌توان یافت که وجود استقلالی داشته باشد و بی‌نیاز از خداوند متعال باشد.^۳ و این همان معنای بیان خداوند است در قرآن، که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۴ «ای مردم شما (همه) فقیر و نیازمند به سوی او هستید و بی‌نیاز (واقعی) تنها خداست».

۲- فقر (رومی):

انسان یک موجود دو بعدی است که شامل جسم و روح می‌باشد. از آن جاییکه روح او بر گرفته از روح خدایی^۵ است، لذا در مرتبه‌ای بالاتر از جسمش قرار می‌گیرد.

همانگونه که جسم او نیاز به مراقبت دارد تا همیشه سالم بماند و بیشتر وقت انسان صرف بر آوردن نیازهای جسمی‌اش می‌شود، به طریق اولی باید به نیازهای روحی‌اش اهمیت داده و آنها را به گونه‌ای شایسته بر طرف سازد.

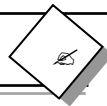
چه بسا هرگونه کم توجهی و سهل انگاری در بر آوردن نیازهای روحی، سبب بیماری و فقدان اموری مهم در روح و خروج او از جاده انسانیت می‌شود، که از آن به فقر روحی و معنوی تعبیر می‌شود.

۳- فقر (اسمی):^۶

این نوع فقر زمانی به وجود می‌آید که نوعی نقص و کمبود در جسم ایجاد شود و شخص به سبب آن به بیماریهای گوناگون دچار شود. مثلاً کسی که نابیناست و فاقد چشم می‌باشد، به فقر جسمی مبتلا گشته است.

۴- فقر (طبیعی):^۷

فقر طبیعی، فقری است که طبیعت آن را برای انسان به ارمغان می‌آورد. اگر جامعه و کشوری فاقد آب و هوای مناسب، زمینهای حاصلخیز و معادن باشد و یا دارای چنین منابعی باشد ولی عوامل طبیعی مانند: سیل، زلزله، طوفان، آسیبهایی جدی به آنها وارد سازد و تمام زحمتهای آنها را از بین



ببرد، یکی از عوامل رشد و توسعه را از دست می‌دهد و این همان چیزی است که آن را فقر طبیعی می‌نامند.

۵- فقر فرهنگی:

فردی که عاری از دانشها و آگاهیهای لازم و نیز رفتارهای اقتصادی، اجتماعی و مذهبی باشد که او را از همزیستی با انسانهای دیگر در یک جامعه انسانی، خارج و با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد، دچار فقر فرهنگی شده است.

امام صادق **♦**، این نوع فقر را «مرگ سرخ» عنوان کرده اند و می‌فرمایند: «الْفَقْرُ مَوْتُ الْآخِرِ فَيَقْلُ: الْفَقْرُ مِنَ الدُّنْيَا نِيرُ الدَّرْهِمْ؟ قَالَ: لَا: وَلَكِنْ مِنَ الدِّينِ»^۹

تنگدستی همان مرگ خونین است. شخصی به آن حضرت عرضه داشت: مقصود از تهیدستی بودن نداشتن پول و طلا و نقره است؟ فرمودند: نه! نداشتن و فقر دینی است (که مسائل و معارف دینی را نیاموخته باشد و صفات پسندیده را از ناپسند نشناسد!)

۶- فقر اقتصادی:

فقرمادی (اقتصادی) که خود در دو قسم «فقر مطلق» و «فقر نسبی» قابل بررسی است.

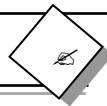
الف - فقر مطلق:

فقری است که در آن نیاز و احتیاج به ضروریات به طور کامل هویدا است^{۱۰} و فرد توانایی رفع نیازهای اساسی و ضروریات زندگی اش را نظیر خوراک، پوشاک، مسکن و بهداشت ندارد.^{۱۱}

ب- فقر نسبی:

فقری است که در آن فرد از ضروریات زندگی بهره‌مند است، ولی از بسیاری امکانات رفاهی که در زمان او موجود می‌باشد، بی‌نصیب است.^{۱۲}

فقر اجباری است یا اختیاری (نحوه
پیدایش فقر):



قبل از بیان عوامل مؤثر در فقر بهتر است، نگاهی به نحوه پیدایش فقر داشته باشیم. آگاهی از نحوه پیدایش این پدیده بهتر می‌تواند انسان را دریافتن علل آن یاری رساند.

اما سؤال این است که آیا پدیده فقر که ایجاد می‌شود به طور قهری از جانب خداوند است و اوست که برخی را بی‌نیاز و برخی را نیازمند و محتاج قرار می‌دهد و بانه، خود انسان در پیدایش آن دخیل است؟

در بررسی آیات و روایات مطرح شده در این باب، به آیات و روایاتی برخورد می‌کنیم که در نگاه اولیّه، متناقض به نظر می‌رسند. برخی از آنها تقسیم رابه دست خداوند بیان می‌کنند و برخی تغییر حال مردم و تبدیل وضع آنها را به خود انسان نسبت می‌دهند. به عنوان مثال خداوند می‌فرماید: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ...»^{۱۳} و در جای دیگر می‌فرماید: «انَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...»^{۱۴} (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (وملّتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.

همچنین در حکمت ۲۷۳ نهج البلاغه، حضرت علی ♦ به روزی تقسیم شده از سوی خداوند اشاره می‌فرماید و در جای دیگر امام باقر ♦، عدم سعی و تلاش افراد را در کسب روزی مذمت نموده‌اند، می‌فرماید: «إِنِّي لَا بَغْضَ الرَّجُلِ فَاغْرَافَاهُ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيَقُولُ ارْزُقْنِي وَيَتْرَكَ الطَّلَبَ»^{۱۵} «من از مردی که به دنبال کار نمی‌رود و به پشت دراز می‌کشد و می‌گوید خدایا روزی مرا برسان، متنفرم»

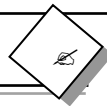
وجود آیات و روایات به ظاهر متناقض، دلیل صحت یکی و نادرستی دیگری نمی‌باشد، بلکه هر کدام با توجه به شأن نزول و صدور که داشتند، صحیح و درست به نظر می‌رسند. مثلاً خداوند متعال برای عده‌ای از افراد که به خاطر رسیدن به ثروت در زمین فساد می‌کنند و پیوندهای خویشاوندی را قطع می‌کنند^{۱۶} و نیز برای آنهایی که مال و ثروتشان را تنها دلیل کار و فعالیت خود می‌دانند^{۱۷} و... آیات «روزی تقسیم شده» را بیان می‌کند تا همه آنها بدانند که روزی انسانها به دست خداست و هیچ کس با حرص و طمع و با کار و تلاش به تنهایی نمی‌تواند روزی را کسب کند.

امام علی ♦ نیز در سخن خود به همین مطلب اشاره دارند و حرص زدن حریص و بی‌تفاوتی عده دیگر را در کسب روزی، در افزایش و کاهش آن بی‌تأثیر می‌دانند، چرا که خداوند بر اساس مصلحت بندگان آن مقدار از روزی که لازم بدانند، در اختیارشان قرار می‌دهد.^{۱۸}

از این رو برای رفع تناقض، باید از آیات و روایات و دلایل دیگری استفاده کنیم.

امام علی ♦ می‌فرماید: «أَنَّ الرِّزْقَ الرَّزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنَّ أُمَّتَ لَمْ تَأْتِهَا أَتَاكَ»^{۱۹} «روزی دو قسم است، یکی آنکه تو آن را می‌جویی و دیگری آنکه او تو را می‌جوید، و اگر تو به سوی آن نروی، خود به سوی تو خواهد آمد.»

قسمت اول فرمایش امام ♦ اشاره به، بدست آوردن روزی توسط خود انسان دارد (رزق تطلبه) و قسمت دوم اشاره به مقدر بودن روزی انسان دارد (رزق یطلبک)



از طرف دیگر خداوند متعال در قرآن اگر اشاره به مقدر بودن روزی انسان دارد، در برخی آیات دیگر، دستور به کار کردن و به دنبال روزی رفتن را هم داده است.^{۲۰}

آری! آنچه خداوند متعال برای ما مقدر کرده است، همسو و مطابق با روش ما در زندگی است، یعنی خداوند متعال مقدر کرده است که هر کس تلاش بیشتر می کند، بیشتر به دست آورد و هر کس که تنبلی می کند و به بهانه های مختلف از کار کردن شانه خالی می کند، روزی کمتری نصیبش شود.^{۲۱}

بنابراین مقدرات الهی در طول سعی و تلاش و توانایی های افراد است و چیزی جدا و غیر از آن نمی باشد. افراد باید تمام سعی و تلاش خود را برای رسیدن به رفاه و آسایش به کار گیرند، و بدین امر توجه داشته باشند، اگر خداوند متعال تقسیم ارزاق را خود به عهده گرفته است تنها به خاطر: ۱- پایدار ماندن جامعه انسانی^{۲۲}، ۲- اصلاح انسانها و جلوگیری از طغیان آنها^{۲۳}، ۳- امتحان و آزمایش^{۲۴} آنها می باشد و اگر با کوشش بسیار باز هم با مشکلاتی مواجه بودند، بدانند که صلاح حال آنها در این گونه زیستن است.

علل فقر:

از آن جایکه این پدیده، بیشتر به خود انسان و افعال او برمی گردد، می توان به بررسی علل آن پرداخت. اما بهتر است قبل از بیان علل فقر مادی (اقتصادی)، علل فقر روحی (معنوی) انسان را که مهمتر از فقر مادی اوست، بررسی کوتاهی داشته باشیم، چرا که آگاهی از آنها می تواند، انسان را در رفع آنها و رسیدن به سعادت در هر دو جهان یاری رساند.

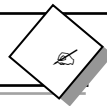
الف - علل فقر معنوی:

۱- نداشتن ایمان و تقوی و یقین:

جایگاه ایمان قلب و روح انسان است و خداوند دلها را با نور ایمان مزین فرموده است.^{۲۵}

انسان با پشت پا زدن به تمام زرق و برقهای دنیوی و روی آوردن به خالق هستی که بی نیاز و غنی مطلق می باشد و با خالص کردن نیات و اعمال^{۲۶}، به حقیقت ایمان دست می یابد. نفس و روحی که مملو از نور ایمان باشد از آفات روحی که مهمترین آن غفلت از یاد خداست در امان می ماند و در گرداب فقر روحی و ظلمت و خواری آن گرفتار نمی آید.^{۲۷}

اما تقوی و یقین که در مرتبه ای بالاتر از ایمان^{۲۸} قرار دارند، به طریق اولی در رسیدن نفس به غنای حقیقی مؤثر می باشند و عدم وجود آن در نفس، فقر روحی و شقاوت و بدبختی انسان را به همراه خواهد داشت.



۲- نداشتن قوه تعقل و علم و دانش:

عقل و خرد، و علم و دانش چون باعث درک واقعیات و بالا رفتن سطح معلومات و دانش انسان می‌باشند، فقدان آنها نوعی نقص در نفس انسان پدید می‌آورند که سبب فقر روحی انسان می‌شوند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «... وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...»^{۲۹} «به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است» و امام صادق **♦** در رابطه با قوه تعقل که بهترین یاور انسان در فراگرفتن دانش است می‌فرماید: «لَا مَالٌ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ»^{۳۰} «هیچ مالی سودمندتر از خردمندی نیست».

۳- ترک ذکر و یاد خدا:

فراموشی ذکر و یاد خدا، قساوت و سنگدلی^{۳۱} و تسلط نفس و شیطان^{۳۲} را برای انسان به ارمغان می‌آورد. انسان با یاد خدا و ذکر اوست که می‌تواند، دل مضطرب خود را، آرام کند^{۳۳} و با تلاوت قرآن و تأمل در دستورات حیات بخش آن است که می‌تواند نفس حیرت زده خود را از تاریکی‌ها برهاند و به سوی روشناییها هدایت کند.^{۳۴}

۴- نداشتن قناعت (حرص و طمع و بخل):

نفوسی که با گوهر قناعت غنی نشده باشند، با آفت حرص، طمع و بخل فقیر و نیازمند خواهند شد. انسانی که در رسیدن روزی از سوی خداوند، نسبت به خالق هستی شک و سوءظن^{۳۵} پیدا می‌کند، و فزون خواهی و ترس از دیر رسیدن و یا نرسیدن روزی، او را به حرص و طمع و بخل وامی‌دارد، اگر تمام دنیا را هم مالک شود، باز هم احساس نیاز در او مشاهده می‌شود^{۳۶} و نفس و روح او هیچ‌گاه به غنای حقیقی نمی‌رسد. امام علی **♦** می‌فرماید: «طَلَبَتِ الْغَنَى فَمَا وَجَدَتْ بِالْقَنَاعَةِ، عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ تَسْتَعْنُوا»^{۳۷} «توانگری را طلب کردم، پس آن را به جز در قناعت نیافتم، بر شما باد قناعت کردن تا اینکه بی‌نیاز شوید».

ب- عوامل فقرمادی:

موارد بسیاری در قرآن و روایات به عنوان عوامل فقرمادی بیان شده است که آنها را می‌توان در چند بند آورد:

۱- عوامل معنوی:

مهمترین مواردی که ریشه معنوی دارند و وجود آنها در انسان می‌تواند یکی از عوامل محرومیت او محسوب شود، نداشتن ایمان^{۳۸}، فراموشی ذکر و یاد خدا^{۳۹} و بخیل بودن^{۴۰} می‌باشد.

۲- عوامل عبادی:

ترک بسیاری از عبادات و سهل انگاری در به جا آوردن آنها از سوی افراد، فقر و محرومیت را برای آنها به همراه می آورد. از جمله آنها: ترک عمدی نماز^{۴۱}، ترک عمدی حج^{۴۲}، ترک حقوق واجب الهی (زکات و خمس)^{۴۳} ترک امر به معروف و نهی از منکر - که سبب از دست رفتن نعمتهای مادی^{۴۴} و معنوی^{۴۵} می شود- و ترک جهاد^{۴۶} می باشد.

۳- عوامل اخلاقی:

ارمغان رعایت نکردن برخی مسائل اخلاقی و ارتکاب آنها از سوی افراد- چه آنهایی که تنها جنبه فردی دارند و چه آنهایی که با اجتماع ارتباط دارد- نیز فقر و محرومیت می باشد.

۳-۱- عوامل اخلاق فردی:

ارتکاب به محرمات و انجام افعالی که خداوند متعال از آن بر حذر داشته است (گناه کردن) و حتی نیت گناه، خودداری از توبه و پشیمانی و استغفار، ناسپاسی و کفران نعمتهای خداوند، اسراف، خوابیدن در بین الطلوعین، گوش دادن به غنا و موسیقی، قسم خوردن، تنوع طلبی، دروغ گفتن، کج خلقی از مهمترین مواردی هستند که علاوه بر نارضایتی خداوند متعال به دلایلی مختلف از جمله ناراحتیهای روحی - روانی و جسمی که در فرد به جامی گذارند، موجبات نیازمندی و محرومیت او را فراهم می کنند.

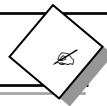
۳-۲- عوامل اخلاق اجتماعی:

خودداری از احسان و کمک به دیگران^{۴۷}، که از برجسته ترین آنها می توان به انفاق به نیازمندان^{۴۸}، صلّه و نیکی به پدر و مادر- چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ روحی^{۴۹}- اقوام، یتیمان^{۵۰} و..... و اطعام دیگران^{۵۱} اشاره داشت و روی آوردن به صفات و افعال زشت و ناپسندی چون کشتن به ناحق افراد^{۵۲}، خیانت^{۵۳}- در امور مادی و معنوی^{۵۴}- و زنا^{۵۵}- به خاطر اثرات شوم آن - از مواردی هستند که اسلام آنها را جزء علل فقر بیان داشته است .

۴- عوامل اقتصادی:

۳-۱- سع و تلاشند (تسخ):

تنبلی افراد و عدم سعی و تلاش، آنها را روز به روز به فقر و محرومیت نزدیک می سازد. امام علی **♦** می فرماید: «من لم یصبر علی کده، صبر علی الافلاس»^{۵۶} «هر که بر رنج و کوشش صبر نکند، باید بر نداری و مفلسی صبر کند»



تلاش و کوشش در مشاغل و حرفه‌های حلال مثل تجارت، دامداری^{۵۷}، کشاورزی و..... توسعه رزق و روزی و روی آوردن به مشاغل و حرفه‌های حرام مثل ربا، دزدی و محرومیت انسان را به همراه دارد.^{۵۸}

بدست آوردن مال از طریق حرام علاوه بر فقر دنیوی فقر و محرومیت در آخرت را نیز باعث می‌شود. چرا که در آنجا اعمال و افعال انسان است که سعادت و شقاوت او را رقم می‌زند. کسی که از طریق مال حرام، به حج رود، به دیگران انفاق کند و.... هیچ کدام مورد پذیرش خداوند متعال قرار نمی‌گیرد و اینچنین در آخرت نیز محروم می‌ماند.^{۵۹}

۴-۲- فقدان تدبیر و اندازه‌داری در معیشت:

رعایت اصل «تقدیر در معیشت» همانند شناخت عمیق دین و صبر در برابر مشکلات از اهمیت بالایی برخوردار است^{۶۰}، به طوریکه عدم رعایت آن در زندگی در دراز مدت مشکلات بسیاری را برای انسان به وجود می‌آورد و او را به فقر و محرومیت مبتلا می‌سازد.^{۶۱}

از مصداق‌های بارز تدبیر در معیشت، می‌توان به موارد ساده‌ای چون استفاده از مواد غذایی به اندازه مورد نیاز^{۶۲}، مشارکت کردن با افراد خوش روزی^{۶۳} و فراگرفتن راه و روش صحیح از آنها و..... را نام برد.

۴-۳- سؤال و گداز:

تکذبی گری و سؤال از دیگران علاوه بر خفت و خواری، فقر و محرومیت انسان را بیشتر کرده و مشکلات او را برطرف نمی‌سازد، چراکه این شیوه به گونه‌ای است که تنها احتیاجات همان روز یا همان لحظه برطرف می‌شود، اما پاسخگوی تمام مشکلات نمی‌باشد.

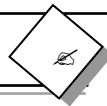
افراد نیازمند به جای سؤال و تکذبی که از آن نهی شده‌اند، باید به دنبال راهی باشند که مشکلات خود را به طور ریشه‌ای برطرف سازند؛ که مهمتر از آن توکل به خداوند و درخواست نیازها از او می‌باشد.^{۶۴}

سؤال از دیگران بدون نیاز ناپسندتر می‌باشد.

علاوه بر این سؤال از دیگران بدون نیاز، ناپسندتر می‌باشد و چنین کسی علاوه بر نیازمند شدن^{۶۵} به آنچه که الان درخواست می‌کند و نیازی ندارد، همانند شراب خوار^{۶۶} و اسراف‌کار^{۶۷} تلقی می‌شود.

۵- عوامل بهداشتی:

این عوامل بیشتر به عدم رعایت مسائل بهداشتی مربوط می‌شود. برخی از این موارد مربوط به جسم و برخی مربوط به منزل و اسباب آن می‌باشد، مهمترین این عوامل عبارتند از:



کوتاه نکردن ناخن - چرا که در روایات محل اخفاء شیطان (میکروب) زیر ناخنها بیان شده است^{۶۸} - شانه کردن در حال ایستاده - این عمل سبب ضعف قلب می شود^{۶۹} - خوردن در حال جنابت، مسواک کردن با چوب گز، نشستن دستها هنگام غذا، وجود تار عنکبوت در خانه - وجود آنها محل نفوذ شیطان (میکروب) در منزل است^{۷۰} - وجود زباله در منزل، جارو کردن در شب، قراردادن درپوش بر روی ظروف غذا و آب و.....^{۷۱}

رعایت تمام این موارد به حفظ سلامتی انسان کمک می کند، چنانکه در برخی از روایات بدان اشاره شده است^{۷۲} بدین ترتیب انسانی که از جسم و بدن سالم برخوردار باشد، نیروی کافی برای کار و فعالیت را دارد و این مهمترین عاملی است که از فقر و محرومیت او جلوگیری می کند.

آثار فقر:

فقر آثار و پیامدهای سوئی برای فرد و اجتماع در بردارد. سستی ایمان و یقین و نیز ضعف و ناتوانی در امور دینی^{۷۳} که زائیده سختی و مشقتهای فقر و محرومیت می باشد از اثرات زیانبار آن بر اعتقاد افراد می باشد.

روی آوردن به گناهان مختلف و کارهای زشت و ناپسند^{۷۴} و پیدایش خلق و خوی تند^{۷۵} از دیگر اثرات فقر بر خلقیات و کردار افراد می باشد، علاوه بر این سلب شخصیت فرد در اجتماع که در اثر ظاهر نامرتب او و نیز عدم توانایی در دفاع از حق و حقوق وی و توجهی اطرافیان به دیگر صفات ارزنده^{۷۶} و... حاصل می شود، بیانگر اثر مخرب فقر از لحاظ اجتماعی بر افراد فقیر می باشد.

رکود فکری و علمی در اینگونه افراد که به دلیل نبودن امکانات مالی، تغذیه نامناسب و عدم آرامش روحی^{۷۷}، پی ریزی میشود، بیش از پیش زمینه را برای روی آوردن به ناهنجاریها^{۷۸} و محرومیتهای دیگر هموار می سازد.

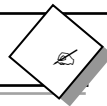
گسترش و توسعه فقر و آثار فردی آن، اجتماع را با مشکلات قابل توجهی مواجه می سازد. افزایش مهاجرت^{۷۹}، بی کاری^{۸۰} و شغلهای کاذب^{۸۱}، افزایش جرم و جنایت و فساد^{۸۲} و افزایش سلطه پذیری^{۸۳} اجتماع در اثر ناتواییهای حاصل از فقر، از اثرات عمده آن بر اجتماع می باشد.

درمان فقر:

موارد پیشنهادی اسلام که از آیات و روایات برمی آید و در درمان فقر و کاهش و رفع آن مؤثر است رامی توان در دو جهت درمان علمی و درمان عملی بیان کرد.

الف - درمان علمی:

درمان علمی چنانکه از نامش پیداست، علم پیدا کردن به عوامل مؤثر در ایجاد فقر و تلاش برای رفع آنهاست. انسان زمانیکه بداند با نداشتن تقوی و ایمان، درهای روزی به روی او بسته می شود، پس سعی می کند این موارد را در دل و قلب خود زنده سازد. با وجود این دو نیرو، انسان شایستگی نزول



برکات الهی را پیدا می‌کند، اینها همان کلیدهایی هستند، که انسان از طریق آنها می‌تواند قفل‌های آسمان و زمین را بگشاید و از برکات آنها بهره‌برد. ^{۸۴}

ب- درمان عملی:

اما در مرحله عمل مهمترین موارد که بیان شده دارای جنبه مادی و معنوی هستند. انسان می‌تواند در جاهایی که اسلام اجازه داده از کمک دیگران بهره‌برد. البته منظور از این کمک گرفتن سؤال و تکدی‌گری نمی‌باشد، بلکه منظور قرض گرفتن می‌باشد ^{۸۵}. انسان می‌تواند در دیه، بدهی سنگین و یا نیازمندی سختی که او را خاک نشین کرده است اقدام به قرض گرفتن از دیگران کند. ^{۸۶}

اما در بعد معنوی انسان می‌تواند با روی آوردن به نمازها و روزهایی که برای توسعه رزق و روزی از سوی ائمه & بیان شده است، در خود راکاهش دهد و یاحتی از بین ببرد.

یکی از نمازها، نماز شب می‌باشد ^{۸۷}، همچنین خواندن دو رکعت نماز مستحبی، بعد از نماز عشاء نیز از عوامل جلب روزی بیان شده است. ^{۸۸}

در میان روزه‌ها، گرفتن چهار روز، روزه در ماه شعبان ^{۸۹} و روزه دهه اول ذی الحجه ^{۹۰} (به غیر از روز دهم که حرام است) سبب توسعه رزق و روزی بیان شده است.

غیر از این خواندن برخی سوره و آیات قرآن در توسعه روزی مؤثر دانسته شده است، مانند: قرائت سوره «توحید» هنگام ورود به منزل ^{۹۱}، خواندن سوره‌های «ابراهیم» و «حجر» در نماز هر جمعه ^{۹۲} و..... و آیه‌های مشتمل بر تهلیل ^{۹۳}، آیه الکرسی ^{۹۴} و..... .

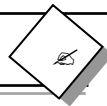
خواندن دعاها و نیز برخی اذکار در رفع فقر و توسعه روزی وارد شده است، مانند: دعای عشرات بعد از نماز عصر روز جمعه ^{۹۵}، دعایی در تعقیب نمازها برای رفع فقر ^{۹۶} و ذکر تکبیر ^{۹۷}، «لا حول ولا قوه الا بالله» ^{۹۸}، «لا اله الا الله الملك الحق المبين» ^{۹۹}، «سبحان الله العظيم وبحمده» ^{۱۰۰} و.....

زیارت قبور مطهر ائمه &، نیز به عنوان عوامل توسعه رزق دانسته شده است که از جمله آنها زیارت امام حسین ♦ و زیارت امام صادق ♦ می‌باشد. ^{۱۰۱}

البته دعاها، نمازها و اذکاری که برای توسعه رزق و کاهش فقر بیان شده، بسیار هستند، برای اطلاع بیشتر می‌توان به مفاتیح الجنان، کتاب‌های روایی مثل: بحار و... مراجعه کرد.

وظایف و جایگاه فقرا در دنیا و آخرت:

اگر با وجود انجام تمام ویا اکثر مواردی که در کاهش فقر بیان شد، باز هم فقر و محرومیت به حال خود باقی بود و گشایشی حاصل نشد، فقرا و محرومین باید بدانند، دست تقدیر الهی همین معیشت را برای آنها رقم زده است.



لذا نباید ناامید شوند، بلکه علاوه بر مواظبت بر اعمال گذشته، باید نهایت تلاش خود را بکنند تا از عهده وظایفی که در این حالت بر آنها بار می‌شود، برآیند.

الف - وظایف فقرا در دنیا:

فقرا و محرومین نسبت به خداوند متعال، جامعه و خود، وظایفی دارند، از مهمترین وظایف آنها نسبت به خداوند می‌توان به توکل، رضایت، قناعت، عفاف و خویش‌تنداری و انجام عبادات^{۱۰۲} اشاره کرد. توکل و رضایت به آنچه خداوند متعال برای انسان مقدر فرموده، غم و اندوه را زدوده^{۱۰۳} و آسایش و راحتی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.^{۱۰۴}

در میان اینها، سخت‌ترین وظیفه خودداری از اظهار فقر می‌باشد.^{۱۰۵} چرا که مشکلات ناشی از فقر انسان را بسیار ناتوان می‌سازد - چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روحی - باین همه مشکلات خودداری از اظهار نیاز و کمک گرفتن از دیگران تنها از افرادی که دارای ایمان و توکل قوی هستند، ساخته است.

همچنین از مهمترین وظایف فقرا نسبت به اجتماعشان، تواضع نکردن در برابر ثروتمندان^{۱۰۶}، مضایقه نداشتن در گفتن سخن حق و کمک کردن به دیگران در صورت توانایی^{۱۰۷} است هر چند اندک^{۱۰۸} باشد.

قطع حرص و پرهیز از سؤال و گدایی^{۱۰۹} نیز از مهمترین وظایف فقیر است که نسبت به حفظ شخصیت خود و جلوگیری از ذلت و خواری باید به رعایت آنها بپردازد.

علمای علم اخلاق با توجه به نسبت انجام این وظایف و رعایت آنها از سوی فقرا، آنها را به چند دسته تقسیم می‌کنند، مثل: فقیر زاهد، راضی، قانع، حریص و فقیر مضطر.^{۱۱۰}

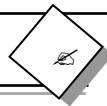
جایگاه فقرا در دنیا:

با وجود درد ورنجهای حاصله از فقر و محرومیت، دین مبین اسلام، برای حفظ روحیه محرومین و فقرا از اجتماع خواسته است که مواردی را نسبت به آنها رعایت کنند، برخی از آنها عبارتند از:

عدم تحقیر و اهانت به فقرا^{۱۱۱} - چه بازبان و چه اشاره و.....، امید دادن به آنها - باین مواردی چون: تمام انسانها به خداوند غنی نیازمندند^{۱۱۲}، فقرا دوستان خداوند هستند^{۱۱۳} و بعد از هر سختی آسانی می‌آید^{۱۱۴} - همنشینی^{۱۱۵} و کمک به آنها.^{۱۱۶}

ج - جایگاه فقرا در آخرت:

محرومین در صورت رعایت و انجام وظایفی که در دنیا بر عهده آنها بود، در آخرت از جایگاه والایی در نزد خداوند بهره مند می‌شوند، به طوریکه حسرت ثروتمندان را در پی خواهد داشت، که از جمله آنها: الطاف الهی شامل حال آنها می‌شود که با ورود به بهشت قبل از دیگران^{۱۱۷}، عذرخواهی خداوند از آنها^{۱۱۸} و قراردادن دولتی در قیامت برای آنها^{۱۱۹}، معنا پیدا می‌کند - آنها با جامه های سبز از قبرها به پا



می‌خیزند و گیسوان آنها به درّ و یاقوت بافته شده و عصاهایی از نور در دست خواهند داشت^{۱۲۰} و در غرفه‌ای از یک دانه یاقوت سرخ اقامت می‌گزینند.^{۱۲۱}

این سرانجام نیک فقرای راضی به قضای الهی می‌باشد.

نظر اسلام در مورد فقر:

تمام مطالب بیان شده، حاکی از آن است که فقر مورد مذمت اسلام می‌باشد. بیان عواملی که بیشتر به اعمال و افعال مکروه و حرام اشاره داشت و نیز آثار سوءی که از فقر در فرد و اجتماع به جا می‌ماند، بیان راهکارهایی برای زدودن فقر و دعاهای بسیاری که از ائمه & در باب ناراحتی آنها از فقر بیان شده^{۱۲۲} و بالعکس دعاهایی که توسعه رزق و روزی را از خداوند مسألت کرده‌اند^{۱۲۳}، همچنین قراردادن جایگاه والایی برای نیازمندان در دنیا و آخرت، همه بیانگر منفور بودن این پدیده از نظر اسلام می‌باشد.

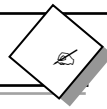
هدف بزرگان ما از بیان اینها، افزایش آگاهی افراد نسبت به مذموم بودن این پدیده و تلاش برای از بین بردن آن در تمام جوامع به خصوص جوامع اسلامی بوده است.

اما باید بدین نکته توجه داشت، اگر اسلام فقر را نمی‌پسندد، غنا و ثروتی هم که باعث افزایش گناهان و طغیان او شود را نیز نمی‌پسندد^{۱۲۴}، بلکه بر حدّ وسط این دو که حد کفاف باشد تأکید می‌کند و توسعه رزق در دعاهای وارده از ائمه & رسیدن به حد کفاف می‌باشد.^{۱۲۵} با این مقدار انسان می‌تواند علاوه بر نیازهای مادی خود و خانواده‌اش، نیازهای معنوی‌اش را نیز برطرف سازد و نیز به کمک و یاری دیگران بشتابد، و مهمتر از تمام اینها، این مقدار از مضرّات فقر و ثروت بدور می‌باشد.

رضایت داشتن به حد کفاف و بازداشتن نفس از زیاده خواهی، همان زیست زاهدانه‌ای است که اسلام بسیار به آن سفارش نموده است و آنان که تنها برای رضای خدا و رسیدن به قرب الی الله، آن را برمی‌گزینند، زاهدان واقعی هستند.

زاهدانه زیستن اگرچه در ظاهر، همانند زیستن محرومین می‌باشد، ولی چیزی غیر از آن است، چراکه افراد شایسته و بلند همت چون رسیدن به سعادت و جاودانگی خود را در آن می‌بینند، خود با اختیار خود اینگونه زیستن را برمی‌گزینند و این مهمترین دلیل تفاوت زاهد و فقیر می‌باشد. امام علی

می‌فرماید: «لن یفتقر من زهد»^{۱۲۶}



نتیجه گیری:

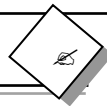
فقر و محرومیت، معلول عملکرد نادرست افرادی باشد و آنچه خداوند متعال برای بندگان مقدر فرموده است همسو و در راستای عملکرد آنهاست.

خداوند متعال، با دادن نعمتهای مادی و معنوی بی شمار، به انسانها، هیچ گاه فقر و محرومیت - چه مادی و چه معنوی - را برای آنها نمی پسندد، بلکه روزی در حدّ کفاف که نیازهای انسان را برطرف می کند، می پسندد، چرا که این حد از مضرات فقر و ثروت به دور می باشد.

ائمه & و پیشوایان مانیز، در دعاهایشان خواستار توسعه رزق در همین حد بوده اند و همین مقدار را برای برآوردن نیازهای مادی و توانایی یافتن برای انجام عبادات و نیز یاری رساندن به دیگران، کافی می دانستند.

دین مبین اسلام، راههای توسعه رزق و کاهش فقر را تنها منحصر در سعی و تلاش افراد نمی داند، بلکه انجام بسیاری از مسائل عبادی - که فروع دین اسلام را تشکیل می دهند - و رعایت مسائل اخلاقی، اقتصادی، بهداشتی و انجام بسیاری از مستحبات و ترک مکروهات را در پیشگیری از فقر مادی و معنوی مؤثر می داند.

از این رو رعایت تمام این موارد، علاوه بر آثاردنیوی که رفع فقر و محرومیت و ایجاد جامعه ای با کمترین مشکلات از نشانه های بارز آن است، آثار و پاداشهای اخروی بسیاری که نتیجه این اعمال است را نیز در پی خواهد داشت، و باعث نورانیت و صفای باطن انسان و تقرّب یافتن بیشتر انسان در نزد خداوند متعال می شود.



پیشنهادات :

باتوجه به آثار سوء فقر و محرومیت در فرد و اجتماع، تلاش برای رفع این پدیده و از بین بردن آن در جوامع، بخصوص جوامع اسلامی، باید از مهمترین اهداف باشد.

در این راستا، افزایش سطح آگاهی افراد نسبت به این پدیده و علل و آثار سوء آن، می‌تواند در سطح کلانی در پیشبرد این هدف مؤثر افتد. این افزایش آگاهی و بیدارسازی افکار، می‌تواند توسط گروه‌های بسیاری صورت گیرد. به عنوان مثال:

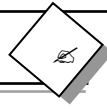
۱- باتوجه به اثرپذیری افراد بسیاری از برنامه‌های صدا و سیما، به نظر می‌رسد که این ارگان می‌تواند بیشترین نقش را در بیدارسازی افکار داشته باشد. بنابراین برنامه‌ریزان رسانه‌ها، مدیران و متخصصان و هنرمندانی که در آن فعالیت می‌کنند، می‌توانند با ارائه برنامه‌های مستقل از اوضاع نابسامان زندگی محرومین و مستضعفین و مشکلات و گرفتاریهای آنها، حس نوع دوستی را در افراد زنده سازند و آنها را برای مبارزه عمومی با فقر و محرومیت بسیج سازند.

۲- در جامعه مشاهده شده که اگر گفته‌ها و برنامه‌های صدا و سیما و نوشته‌های مجلات و جرائد، توسط مبلغین و امامان جمعه و جماعت تأیید شود، بیشتر مورد پذیرش افراد واقع می‌شود.

۳- از آنجایی که فرزندان ما، آینده‌سازان این کشور هستند، پس به جاست که آنها را با برخی از مشکلات موجود در جامعه، از همان اوان کودکی و نوجوانی آشنا سازیم.

لذا وظیفه پدران و مادران است که با کمک به محرومین و رعایت حال آنها، الگوی فرزندان باشند و نیز مسئولین آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان و مؤلفان کتابهای درسی وظیفه دارند که با گنجاندن مسائلی مربوط به فقر و محرومیت افراد و بیان سیره بزرگان دین در دستگیری از محرومین در کتابها، آنها را با این پدیده و نحوه برخورد با آن آشنا سازند.

با افزایش سطح آگاهی، افراد عادی با پرداخت حقوق واجب مالی و مستحب و مسئولین - به خصوص رؤسای سه قوه - باتوجه به اختیاراتی که برعهده دارند می‌توانند از محرومین دستگیری نمایند.

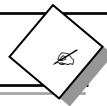


منابع و ماخذ

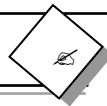
*قرآن کریم، مترجم: ناصر مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، قم، انتشارات مشرقین، چاپ ششم، ۱۳۷۹ هـ.ش.

- ۱- الاربلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح: **کشف الغمّة فی معرفة الأئمّه**، مترجم: علی بن حسین زواری، مصحح ابراهیم میانجی، بی جا، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیة، بی تا، ج ۳.
- ۲- ابن ابی الحدید: **شرح نهج البلاغه**، محقق محمد ابولفضل ابراهیم، بی جا، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ دوم، ۱۳۸۷ هـ.ق، ج ۱۹.
- ۳- ابن بابویه القمی، ابی جعفر محمد بن الحسین (شیخ صدوق)، **امالی**، کمره ای، تهران، کتابخانه اسلامیة حاج سید محمد کتابچی، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۴- **جامع الاخبار من احسن کتب الحدیث المعتمرة الجامعة**، بی جا، مرکز نشر کتاب، بی تا.
- ۵- **الخصال**، علی اکبر غفاری، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱-۲.
- ۶- **علل الشرايع**، بی جا، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- ۷- **عیون اخبار الرضا** ♦، مصحح حسین اعلمی، بیروت - لبنان، مؤسسه العلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲.
- ۸- **معانی الاخبار**، عبدالعلی محمدی شاهرودی، بی جا، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج ۲.
- ۹- ابن عاشور، محمد الطاهر: **التحریر والتنویر (معروف به تفسیر ابن عاشور توشی)**، بیروت - لبنان، مؤسسه التاریخ، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.ق، ج ۲-۴-۵-۱۰-۱۷.
- ۱۰- ابن فارس بن زکریا، ابی الحسین احمد، **مقاییس اللغه**، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۲-۳-۴-۵.



- ۱۱- بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم: شرح نهج البلاغه ابن میثم، محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ.ش، ج ۳.
- ۱۲- بیات (زنجانی)، بیت الله، فقرستیزی، قم، انتشارات شکوری، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۱۳- پاک نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، یزد بنیاد فرهنگی شهید دکتر پاک نژاد، ۱۳۶۱ هـ.ش، ج ۱-۳-ج ۱۵.
- ۱۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد: دغـرالحکم ودررالکلم، محمدعلی انصاری، تهران، بی نا، ۱۳۳۵ هـ.ش، ج ۱-ج ۲.
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله: تفسیر موضوعی قرآن مجید، بی جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، ۱۳۶۵ هـ.ش، ج ۴.
- ۱۶- الحرّانی، ابی محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبة، تحف العقول عن آل الرسول، مترجم: محمد باقر کمره ای، مصحح: علی اکبر غفاری، بی جا، انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۱۷- حرّعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق مؤسسه آل البيت & احیاء التراث، قم، مؤسسه آل البيت & احیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ج ۲-ج ۵-ج ۷-ج ۹-ج ۱۲-ج ۱۵-ج ۱۷-ج ۲۴.
- ۱۸- حسینی، هادی، فقر و توسعه در منابع دینی، محمد حکیمی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۱۹- حکیمی، محمد، علی حکیمی و محمد رضا حکیمی: الحیاة، تهران، مکتب النشرالثقافة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۷ هـ.ش، ج ۳-ج ۴.
- ۲۰- حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۲۱- حلی، احمد بن فهد، عدّه الدّاعی و نجاج السّاعی، مصحح احمد موحدی قمی، بی جا، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۲۲- دخیل، علی محمد علی، ثواب الأعمال و عقابها، بیروت، دارالمرتضی، بی تا.
- ۲۳- دشتی، محمد و همکاران، فرهنگ معارف نهج البلاغه، بی جا، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ.ش، ج ۲.
- ۲۴- الطبرسی، ابوعلی فضل بن حسن: تفسیر مجمع البیان، مترجم: محمد مفتاح، مصحح رضاستوده، مؤسسّه انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۵۰ هـ.ش، ج ۳-ج ۷ (متـرجم



احمد بهشتی، مصحح موسوی دامغانی) - ج ۱ اوج ۱۲ (مترجم و مصحح: هاشم رسولی محلاتی، ۱۳۵۱ هـ ش) -
ج ۱۴ اوج ۱۵ و ج ۱۶ (مترجم: احمد بهشتی، مصحح: رضاستوده، ۱۳۵۲ هـ ش) - ج ۲۲ اوج ۲۳ (مترجم: علی
کاظمی، مصحح علی صحت، ۱۳۶۳، ۱۳۵۸ هـ ش).

۲۵- الطوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث
العربی، بی تا، ج ۶، ج ۲۵.

۲۶- العسکری البغدادی، ابی عبدالله محمد بن نعمان (شیخ مفید)، **اختصاص**، علی
اکبر غفاری، بیروت - لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ هـ ق.

۲۷- غزالی، ابی حامد محمد بن محمد، **احیاء علوم الدین**، تحقیق و ترجمه دار الهادی، بیروت -
لبنان، دار الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق، ج ۴.

۲۸- فخر رازی، **تفسیر کبیر**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی تا، ج ۷-۱۴-۱۵ -
ج ۱۶-۱۷-۲۲.

۲۹- قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ ش، ج ۱.

۳۰- قمی، عباس، **سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار**، بی جا، دار الاسوه لطباعة و النشر، چاپ
اول، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۲.

۳۱- کلباسی، روح الامین، **درمان فقر**، قم، نشر روح، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ ش.

۳۲- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، مصحح: علی
اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ ش، ج ۲-۳-۴-۵-۶-۸.

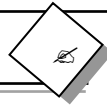
۳۳- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار** (الجامعه لدور اخبار الائمه الاطهار) ♦، تهران، مکتب
الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ هـ ش، ج ۹-۱۴-۱۶-۶۲-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۱-۷۲-
ج ۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۸۶-۸۷-۹۰-۹۲-۹۵-۹۶-۱۰۰-۱۰۳.

۳۴-: **عین الحیوة** (دروس‌ایای حضرت رسول ﷺ) به
ابوذر غفاری، بی جا، انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۴۹ هـ ش.

۳۵- محمد بن مرتضی (معروف به محسن فیض کاشانی)، **المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء**
، مصحح علی غفاری، بیروت - لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۷-۸.

۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، **پیام امام امیر المؤمنین** ♦ (شرح تازه و جامعی
بر نهج البلاغه)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ هـ ش، ج ۲-۴.

۳۷- موسوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**: قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۱.



۳۸- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة: مشهد، مؤسسه آل البيت ◆ لایه التراث، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ ق، ج ۹۹۵- نراقی، احمد، معراج السعادة: بی جا، انتشارات جاویدان، بی تا.

۳۹- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل: قم، مؤسسه آل البيت ◆ لایه التراث، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۲- ج ۳- ج ۴- ج ۵- ج ۶- ج ۷- ج ۸- ج ۹- ج ۱۰- ج ۱۱- ج ۱۲- ج ۱۳.

۴۰- هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، تفسیر راهنما: قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ ش، ج ۲- ج ۱۱- ج ۲۰.

۴۱- الهندی البرهان فوری، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال: مصحح صفوة القا، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، بی تا، ج ۳- ج ۴- ج ۵- ج ۶- ج ۷- ج ۸- ج ۹- ج ۱۰- ج ۱۱- ج ۱۲- ج ۱۳- ج ۱۴- ج ۱۵- ج ۱۶.

مقالات

۱- بابازاده، ارشد، تأثیر فقر در بزه کاری: نشریه اصلاح و تربیت، سال سوم، شماره ۳۳. براتی، طیبه، سه هزار نوع شغل کاذب در ایران (همایش روز جهانی مبارزه با فقر): نشریه اعتماد، ۸۴/۸/۲.

۲- رستمی، الهه، ارمنان جنگ فقر: جنگ سالاری و خشونت بر زنان: نشریه فکر روز، شماره ۳.

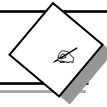
۳- _____، آموزش در فقر: نشریه فرهنگ آشتی، ۸۶/۱/۲۲.

پی نوشت:

- ۱ - رک: ابی الحسن احمد بن فارس بن زکریا، مقایس اللغه، محقق: عبدالسلام هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۴، ص ۴۳۳.
- ۲ - رک: هادی سبزواری، شرح منظومه، قم، انتشارات مصطفوی، بی تا، ص ۷۱.
- ۳ - رک: محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاء، تهران، مکتب النشر الثقافت الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۷ هـ، ج ۳، باب ۱۱، ص ۳۵۱.
- ۴ - فاطر (۳۵)، آیه ۱۵.
- ۵ - خداوند می فرماید: «ونفخت فيه من روحي»، حجر (۱۵)، آیه ۲۹.
- ۶ - رک: روح الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ۲۷، ۱۳۸۲ هـ، ج ۱۲، ص ۲۰۵.
- ۷ - رک: بیت الله بیات (زنجان)، فقرستیزی، قم، انتشارات شکوری، ۱۳۷۳ هـ، ص ۴۴.
- ۸ - محمد حکیمی (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان)، پدیده شناسی فقر و توسعه، قم، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ، ج ۱، ص ۴۳۷.
- ۹ - ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق): معانی الاخبار، عبدالعلی محمدی شاهرودی، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۲ هـ، ج ۲، ص ۱۳۱.
- ۱۰ - رک: احمد نراقی، معراج السعاده، بی جا، انتشارات جاویدان، بی تا، ص ۲۶۹.
- ۱۱ - رک: علی اکبر رشاد (به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، دانشنامه امام علی ♦، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ، ج ۷، ص ۲۰۴؛ هادی حسینی، فقر و توسعه در منابع دینی، محمد حکیمی، قم، مؤسسه بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۳۳.
- ۱۲ - رک: همان.
- ۱۳ - رک: رعد (۱۳)، آیه ۲۶.
- ۱۴ - رک: رعد (۱۳)، آیه ۱۱.
- ۱۵ - محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق مؤسسه آل البيت ♦ لاجیاء التراث، قم، مؤسسه آل البيت ♦ لاجیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۱۶ هـ، ج ۱۷، ص ۲۸.
- ۱۶ - رک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۶ هـ، ج ۱۰، ص ۲۰۰.
- ۱۷ - رک: همان، ج ۱۹، ص ۴۹۶-۴۹۵.
- ۱۸ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، محقق: محمد ابولفضل ابراهیم، بی جا، در احیاء الکتب الاسلامیه، دوم، ج ۱۹، ص ۱۶۲؛ محمد دشتی و همکاران، فرهنگ معارف نهج البلاغه، بی جا، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین ♦، ۱۳۷۶ هـ، ج ۲، ص ۷۹۳.
- ۱۹ - سید رضی (ره)، نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، انتشارات مشرقین، چاپ ششم، ۱۳۷۹ هـ، نامه ۱۶/۳۱، ص ۵۳۴.
- ۲۰ - جمعه (۶۲)، آیه ۱۰ «فاذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله»
- ۲۱ - رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۷۳.
- ۲۲ - رک: محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۷ هـ، ج ۱۸، ص ۴۶-۴۷.
- ۲۳ - رک: محمد حسین طباطبائی، همان، ص ۳۸؛ روح الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ج ۳، ص ۵۸۹.
- ۲۴ - رک: نهج البلاغه، خطبه ۱۳/۹۱، ص ۱۶۸.
- ۲۵ - «..... ولكن الله حيب اليكم الايمان وزينه في قلوبكم»، حجرات (۴۹)، آیه ۷.
- ۲۶ - عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، محمد علی انصاری، تهران، بی تا، ۱۳۳۵ هـ.
- ۲۷ - رک: روح الله موسوی خمینی (ره)، شرح چهل حدیث، ج ۲۷، ص ۴۴۴.
- ۲۸ - رک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، مصحح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ، ج ۲، ص ۱۱۶.
- ۲۹ - بقره (۲)، آیه ۲۶۹.
- ۳۰ - ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی (شیخ مفید)، اختصاص، علی اکبر غفاری، بیروت - لبنان، مؤسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ هـ، حکم و مواظب، ص ۲۴۶.
- ۳۱ - رک: احمد بن محمد بن فهد حلّی، عده الداعی ونجاح الساعی، مصحح احمد موحّدی قمی، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ، ص ۲۵۴.
- ۳۲ - رک: روح الله موسوی خمینی (ره)، همان، ج ۱۸، ص ۲۹۱.
- ۳۳ - رک: رعد (۱۳)، آیه ۲۸.

- ۳۴ - رک: فخر رازی، تفسیر کبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی تا، ج ۱۷، ص ۱۱۶-۱۱۴؛ کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، سید محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۰ هـ. ش، ج ۳، ص ۶۴۹؛ محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۱۱۸.
- ۳۵ - رک: ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، بی جا، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۳۸۵ هـ. ق، ص ۵۵۹.
- ۳۶ - رک: عبدالواحد آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۱، فصل ۱، ح ۱۷۷۹، ص ۶۹.
- ۳۷ - عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، بی جا، دارالأسوه لطباعه والنشر، اول، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۲، ص ۸۷.
- ۳۸ - رک: مائده (۵)، آیه ۶۶.
- ۳۹ - رک: طه (۲۰)، آیه ۱۲۴؛ محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۱۵-۳۱۴؛ اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۷۳۲.
- ۴۰ - رک: نهج البلاغه، ج ۴۲۵، ص ۷۳۲.
- ۴۱ - رک: حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت ♦ لاهیه التراث، اول، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۳، ص ۲۴-۲۳.
- ۴۲ - رک: ابی منصور احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی، احتجاج، بی جا، انتشارات الشریف الرضی، اول، ۱۳۸۰ هـ. ش، ج ۱، ص ۸۲.
- ۴۳ - رک: نهج البلاغه، ج ۳۷۲، ص ۷۱۸.
- ۴۴ - رک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار (الجامعه لدور اخبار الائمه الاطهار) ♦، تهران، مکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۸۲ هـ. ش.
- ۴۵ - رک: علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی فوری، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، مصحح صفوه القا، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، بی تا، ج ۳، ص ۶۰۷، ص ۱۸۳.
- ۴۶ - رک: ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، امالی، کمره ای، تهران، کتابخانه اسلامی حاج سید محمد کتابچی، چهارم، ۱۳۶۲ هـ. ش، مجلس ۸۵، ص ۵۷۷.
- ۴۷ - رک: ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا ♦، مصحح حسین اعلمی، بیروت - لبنان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲، باب ۳۰، ص ۵۲، ص ۲۶.
- ۴۸ - رک: بقره (۲)، آیه ۲۴۵؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۲۵-۳۲۴؛ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، مترجم: محمد مفتاح، مصحح رضاستوده، مؤسسه انتشارات فراهانی، اول، ۱۳۵۰، ج ۳۳، ص ۷۳.
- ۴۹ - رک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۵؛ محسن قرائتی، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، اول، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۵۰ - رک: فجر (۸۹)، آیات ۱۸-۱۶.
- ۵۱ - رک: محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۴۶۱.
- ۵۲ - رک: نهج البلاغه، نامه ۱۴۱/۵۳، ص ۵۸۸.
- ۵۳ - رک: ابی محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه الحرّانی، تحف العقول، عن آل الرسول، مترجم: محمد باقر کمره ای، مصحح: علی اکبر غفاری، بی جا، انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ هـ. ش، ج ۷۸، ص ۷۸، ج ۷۸، ص ۴۴.
- ۵۴ - رک: انفال (۸)، آیه ۲۷؛ وهبه الزحیلی، تفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، دمشق، در الفکر، اول، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۹، ص ۲۹۷.
- ۵۵ - رک: شیخ صدوق، امالی، مجلس ۶۲، ج ۱۲، ص ۳۹۸.
- ۵۶ - عبدالواحد آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۲، فصل ۷۷، ح ۱۳۲۵، ص ۷۰۲.
- ۵۷ - رک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۵.
- ۵۸ - رک: محمد باقر مجلسی، همان، ج ۶۹، ص ۳۸۲. رک: فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۵۹.
- ۵۹ - رک: فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۹۵.
- ۶۰ - رک: ابی محمد حسن بن علی حرّانی، تحف العقول، ج ۱۴، ص ۳۷۵.
- ۶۱ - محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۱۳، ج ۳۴۷. امام علی می فرماید: «ترک التقدير فی المعيشة تورث الفقر»
- ۶۲ - رک: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۴۰.
- ۶۳ - نهج البلاغه، ج ۲۳۰، ص ۶۷۶.
- ۶۴ - الاربلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمه فی معرفه الائمه، مترجم: علی بن حسین زوارثی، مصحح: ابراهیم میانجی، بی جا، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیة، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۲. امام جواد ♦ می فرماید: «من استغنی بالله افتقر الناس إلیه...»
- ۶۵ - رک: علی محمد علی دخیل، ثواب الاعمال و عقابها، بیروت، دار المرتضی، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۰.
- ۶۶ - رک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۸.
- ۶۷ - رک: همان، ص ۱۵۵.
- ۶۸ - رک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۹۰.
- ۶۹ - رک: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۹.
- ۷۰ - رک: همان، ج ۵، ص ۳۲۲.

- ۷۱ - رک: محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۰، ص ۳۱۵-۳۱۴؛ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، جامع الاخبار من احسن کتب الحدیث المعتمره الجامعه، بی جا، مرکز نشر کتاب، بی تا، فصل ۸۲، ص ۱۴۷.
- ۷۲ - واژه شیطان که در برخی روایات بدان اشاره شده است، مقصود همان میکروب است و آن نیز منشأ بسیاری از آلودگیها و بیماریهای باشد. رک: رضا پاکنژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، بزد، بنیاد فرهنگی شهید دکتر پاکنژاد، ۱۳۶۱ هـ.ش، ج ۱، ص ۶۶.
- ۷۳ - رک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۸، ص ۴۷.
- ۷۴ - رک: همان.
- ۷۵ - رک: عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، فصل اول، ح ۱۶۳۱، ص ۶۱.
- ۷۶ - رک: نهج البلاغه، ج ۳، ص ۶۲۵.
- ۷۷ - رک: عبدالواحد آمدی، همان، ج ۱۱۵۷، ص ۳۷.
- ۷۸ - رک: همان، ج ۸۶۹، ص ۲۹.
- ۷۹ - رک: آموزش در فقر، نشریه فرهنگ آشتی، ۸۳/۱/۲۲.
- ۸۰ - رک: محمد بن یعقوب کلینی، ج ۸، ص ۲۱.
- ۸۱ - رک: طیبیه براتی، ۳ هزار نوع شغل کاذب در ایران، نشریه اعتماد، ۸۴/۸/۲.
- ۸۲ - رک: ارشد بابازاده، تاثیر فقر در بزهکاری، نشریه اصلاح و تربیت، یال سوم، شماره ۳۳، ص ۱۰.
- ۸۳ - الهه رستمی، ارمان جنگ فقر - جنگ سازی و خشونت بر زنان، نشریه فکر روز، شماره ۳.
- ۸۴ - اعراف (۷)، آیه ۹۶ «ولوان اهل القرى امنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض...». عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی، بی جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، ۱۳۶۵ هـ.ش، ج ۴، ص ۳۲-۳۱.
- ۸۵ - رک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵.
- ۸۶ - رک: ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، خصال، ج ۱۲۴، ص ۱۴۷، علی اکبر غفاری، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۸۷ - محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۲۶۸.
- ۸۸ - رک: حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۰۵، ج ۶۸۷۸.
- ۸۹ - رک: شیخ صدوق، امالی، مجلس هفتم، ص ۲۳.
- ۹۰ - روح الامین کلباسی، درمان فقر، قم، نشر روح، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.ش، ص ۴۱.
- ۹۱ - محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۳، ص ۳۵۳.
- ۹۲ - رک: همان، ج ۱، ص ۲۸۰.
- ۹۳ - رک: همان، ج ۹۵، ص ۲۸۷.
- ۹۴ - رک: محمدباقر مجلسی، عین الحیوه (دروصایای حضرت رسول (ص) به ابوذر غفاری)، بی جا، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۴۹ هـ.ش، ص ۴۶۵.
- ۹۵ - رک: همان، بحار الانوار، ج ۹، ص ۱، ص ۷۳.
- ۹۶ - رک: همان، ج ۸۶، ص ۱، ص ۴۹.
- ۹۷ - رک: علاء الدین المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۹۳۲۵، ص ۲۷.
- ۹۸ - رک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۶۵، ص ۹۳.
- ۹۹ - رک: محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۰، ص ۱۶۱.
- ۱۰۰ - رک: محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۴۶، ص ۳۱۵.
- ۱۰۱ - رک: ابی جعفر محمد بن حسن الطوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ مفید، تهران، درالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۶۴ هـ.ش، ج ۶، ص ۴۲، ص ۷۸.
- ۱۰۲ - رک: مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۹۲؛ ابی حامد محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، تحقیق و ترجمه دارالهادی، بیروت - لبنان، دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۴، ص ۳۰۱.
- ۱۰۳ - عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، فصل ۱، ص ۴۶۴، ص ۱۸.
- ۱۰۴ - رک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷، ص ۱۳۶.
- ۱۰۵ - رک: همان، ج ۷۸، ص ۷۸، ص ۲۴۹.
- ۱۰۶ - رک: نهج البلاغه، ج ۴۰، ص ۷۲۶.
- ۱۰۷ - رک: احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۳۹۰؛ ابی حامد محمد بن محمد غزالی، همان، ص ۳۰۲.
- ۱۰۸ - رک: عبدالواحد آمدی، همان، فصل ۳۱، ج ۲۲، ص ۴۰۲.
- ۱۰۹ - احمد نراقی، همان، ص ۳۸۹؛ مهدی نراقی، همان، ص ۹۲.
- ۱۱۰ - رک: ابی حامد محمد بن محمد غزالی، همان، ص ۲۸۱-۲۸۰؛ احمد نراقی، همان، ص ۳۸۰.



- ۱۱۱- رک: شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۰۵.
- ۱۱۲- رک: فاطر (۳۵)، آیه ۱۵.
- ۱۱۳- رک: حمیدرضا شیخی، ترجمه میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۷۷ هـ ش، ج ۱۰، ص ۴۶۶۴.
- ۱۱۴- رک: محمدحسین طباطبائی، تفسیرالمیزان، ج ۲۰، ص ۷۳۱.
- ۱۱۵- رک: کشف (۱۸)، آیه ۲۸؛ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۵، ص ۵۰.
- ۱۱۶- رک: حج (۲۲)، آیه ۲۸.
- ۱۱۷- رک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۸۵، ص ۵۴.
- ۱۱۸- رک: محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۸، ص ۲۶۴.
- ۱۱۹- رک: محمدبن مرتضی (معروف به محسن فیض کاشانی)، المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، مصحح علی غفاری، بیروت- لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۷، ص ۳۲۲.
- ۱۲۰- رک: شیخ صدوق، جامع الاخبار، فصل ۶۷، ص ۱۲۹.
- ۱۲۱- رک: محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۵۸، ص ۴۷.
- ۱۲۲- رک: محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۶، ص ۲۸۳.
- ۱۲۳- رک: صحیفه سجادیه، مترجم: محسن غرویانی - عبدالمجید معادیخواه، قم، نشرالهادی، چهارم، ۱۳۷۹ هـ ش، دعاهاى ۲/۲۲، ص ۲۵، ۱۱/۱۰۸، ص ۱۲۲.
- ۱۲۴- رک: علق (۹۶)، آیات ۶-۷.
- ۱۲۵- رک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲، ص ۱۲، «اللهم انى اسالك خیر المعیشة...»؛ محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳، ص ۱۴۰.
- ۱۲۶- رک: محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۷، ص ۲۱۴.